



تاریخ دریافت: ۹۸/۰۹/۲۷

تاریخ بازنگری: ۹۹/۰۲/۱۰

تاریخ پذیرش: ۹۹/۰۳/۱۹

تاریخ انتشار: ۹۹/۰۳/۳۱

امنیت سیاسی شهروندان در فقه و حقوق ایران و اسناد بین‌المللی

سید عسکری حسینی مقدم*^۱ سید علی هاشمی خان عباسی^۲ مهران شریفی کلاریجانی^۳

چکیده

با گسترش جوامع بشری، افق‌های جدیدی در حوزه امنیت گشوده شده و ابعاد نوینی بر این مقوله افزوده شده که یکی از این ابعاد جدید «امنیت سیاسی» می‌باشد. تاجایی که برخی از صاحب نظران این بعد از امنیت را نسبت به سایر ابعاد امنیت دارای اهمیت و برجستگی بالاتری می‌دانند. در واقع امنیت نظام سیاسی همواره یکی از مهم‌ترین پیش نیازهای سایر ابعاد امنیت (امنیت فردی، عمومی، اقتصادی، اجتماعی و...) است، از این رو، مفصل‌ترین و قدیمی‌ترین مباحث امنیت پژوهی محسوب می‌شود. بنابراین مقوله امنیت و به ویژه امنیت سیاسی، در همه جوامع امروزی به عنوان یکی از مولفه‌های اصلی حقوق بنیادین افراد مورد توجه قرار می‌گیرد و ماهیتی حقوق بشری به خود گرفته است. این پژوهش در صدد بازشناسی مقوله امنیت سیاسی شهروندان در فقه و حقوق ایران و همچنین اسناد بین‌المللی است.

واژگان کلیدی: امنیت سیاسی، فقه، حقوق ایران.

۱- بیان مسئله

امنیت از مقوله‌های اساسی است که نیاز به آن در تمام ابعاد زندگی بشری به- نحوی ملموس و مؤثر احساس می‌شود و از دیرباز تاکنون تلاش در جهت ایجاد آن در حیات انسانی، منشأ تحولات و دگرگونی‌های فراوانی شده است. بشر از آغاز ورود به پهنه‌ی هستی، با معمای امنیت روبرو شد؛ زیرا عوامل محیطی مهم‌ترین خطر نسبت به

۱ استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد ساری، مازندران، ایران. Email: Dr.hosseini1398@gmail.com

۲ استادیار گروه معارف اسلامی، دانشگاه منابع طبیعی و علوم کشاورزی ساری، مازندران، ایران. Email: A.hashemi1@yahoo.com

۳ دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد ساری، مازندران، ایران. Email: Mehran.sharifi5568@gmail.com

حیاتی‌ترین ارزش بشری، یعنی زندگی به شمار می‌آید؛ خطراتی که بسیاری از آنها از سوی نیروهای طبیعی بود. بر این اساس می‌توان گفت که جستجوی امنیت پیوند ناگسستنی‌ای با جوهر هستی انسان دارد و حفظ ذات و صیانت نفس از اساسی‌ترین امیال انسان می‌باشد (رهبر و سوری، ۱۳۹۵: ۱۰۳). تأمین امنیت از مهم‌ترین وظایف و کارویژه‌های نظام‌های سیاسی است که بدون آن هیچ یک از برنامه ریزی‌ها و اقدامات حاکمیت مفید و مؤثر، یا دستکم پایدار نخواهد بود. به همین علت، امنیت به مثابه حقی همگانی در متون و اسناد معتبر حقوق بین‌الملل، از جمله ماده ۲۲ اعلامیه جهانی حقوق بشر و ماده ۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مورد تصریح و تأکید قرار گرفته است (اسماعیلی، ۱۳۹۱: ۸).

امنیت سیاسی به ویژه رویکرد دولت محور، موضوعی وابسته به امنیت ملی است؛ به طوری که باری بوزان آن را ناظر بر ثبات سازمانی دولت‌ها و ایدئولوژی‌هایی می‌داند که به دولت مشروعیت می‌دهد. در واقع، تهدید علیه کیان سیاسی دولت از قبل عوامل درونی یا بیرونی را مدنظر قرار دارد. نگاهی به آرا و احکام فقهی بیان گر آن است که در بُعد امنیت سیاسی نیز برخی احکام ناظر بر تهدیدکننده‌های امنیت ملی دولت اسلامی می‌باشند و برخی از احکام و قواعد ناظر بر تولید و حفظ امنیت ملی در بعد سیاسی. از جمله در موضوع تهدیدکننده‌های امنیت ملی می‌توان به استبداد، بغی، حکومت جائر، نفاق، محاربه و جاسوسی اشاره کرد. فقهای امامیه به ویژه در دوره ی معاصر، به این موضوع پرداخته‌اند. حکومت و حاکم جائر نیز از دیگر عوامل تهدیدکننده‌ی امنیت سیاسی هستند که در ابواب متعدد، عدم مشروعیت، وجوب مقابله و تقبیح تعامل با آن‌ها بیان شده است (لک زایی و همکاران، ۱۳۹۶: ۵۰). با توجه به توضیحات گفته شده سئوالی که در این تحقیق سعی در پاسخ گویی به آن را داریم به این صورت قابل طرح است که، امنیت سیاسی شهروندان در فقه و نظام حقوقی ایران و همچنین اسناد بین‌المللی تا چه اندازه مورد تأکید قرار گرفته است؟ و تا چه اندازه امنیت سیاسی شهروندان در ایران با اسناد بین‌المللی هماهنگی و همخوانی دارد؟ در پاسخ به این سولات این فرضیه را مطرح کرده ایم که در منابع و کتب فقهی که نظام حقوقی ایران بر آن استوار است به امنیت و به طور اخص امنیت سیاسی شهروندان تأکید به خصوصی شده است. و همچنین نظام حقوقی ایران نیز طوری طراحی شده است که تأمین امنیت شهروندان توسط آن با اسناد بین‌المللی همخوانی داشته و مورد تایید سایر کشورها نیز است.

۲- اهمیت و ضرورت تحقیق

اهمیت و ضرورت این مسئله هنگامی روشن‌تر می‌شود که متوجه شویم مطالعات مربوط به امنیت در علوم اسلامی، به اندازه تاریخ اسلام قدمت دارد؛ زیرا پیدایش اسلام، مباحث دراز دامن امنیتی را با خود به همراه داشت؛ چه در سه سال اول دعوت حضرت ختمی مرتبت (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) که به صورت مخفیانه بود، و چه بعد از آن، که از حصر و تحریم مسلمانان در شعب ابی‌طالب آغاز شد و تا هجرت به مدینه و سپس حملات متعدد مشرکین به دولت تازه

تأسیس اسلامی ادامه داشت، همگی با رنج و زحمت و دفاع توأم بود. در سنت اسلامی از دانش سیاسی به «علم مدنی» تعبیر می‌شد. متفکران مسلمان علم مدنی را به دو بخش فلسفه مدنی و فقه مدنی تقسیم می‌کردند. فقه سیاسی، مواجهه دوسویه زندگی سیاسی و نصوص اسلامی از طریق زبان و دستگاه فقه است. فقه امنیت در ادامه چنین دیدگاهی قابل فهم و ارائه است. امنیت سیاسی به معنای وجود دستگاه سیاسی است که در آن مردم آزادانه و بدون ترس و وحشت بتوانند مواضع سیاسی و باورهای خود را در چارچوب قوانین موجود بیان کنند. در حقیقت بین امنیت سیاسی و میزان استبدادی بودن رژیم‌های سیاسی، رابطه‌ای معکوس وجود دارد. نحوه توزیع قدرت و شکل رژیم سیاسی در این مورد اهمیت دارد. اندیشمندان سیاسی برقراری امنیت و ثبات در یک جامعه را به طور کلی از وظایف اصلی حکومتها می‌دانند. در واقع از گذشته‌های دور تا کنون، کار ویژه اصلی، اولیه یا حداقل دولت، تأمین امنیت جان مردم از خطرات داخلی و خارجی و نهادینه کردن امنیت جمعی بوده است. مقوله امنیت در اسلام از جایگاه و اهمیت خاصی برخوردار بوده و همواره طراحی آن در بستر نظام اسلامی مورد توجه بوده است. این مفهوم از جمله موضوعاتی است که در قرآن به عنوان مهم‌ترین منبع در اسلام، به گستردگی به آن اشاره شده است. (رهبر و سوری، ۱۳۹۵: ۱۰۵).

۳-پیشینه پژوهش

حاج زاده و همکاران (۱۳۹۶)، پژوهشی با عنوان "جایگاه امنیت نظام سیاسی در فقه امامیه با تاکید بر مرجع امنیت" انجام دادند. این تحقیق، درصدد بازشناسی مقوله امنیت نظام‌های سیاسی در پرتوی احکام فقهی (حکم اولیه و حکم ثانویه) است و بدین منظور، ضمن تبیین اجمالی محل بحث در مطالعات امنیتی، احکام مختلف فقهی صیانت از نظام‌های سیاسی در حالت‌ها و شرایط متفاوت را ارائه کرده است.

لک زایی و همکاران (۱۳۹۵)، پژوهشی با عنوان "امنیت ملی دولت اسلامی از منظر فقه شیعه" انجام دادند. در این نوشتار تلاش شده است تا با تمسک به روش استنباطی و استنادی، گزاره‌های فقهی ناظر به امنیت ملی را استخراج کرده و با استمداد از یک الگوی نظری تلفیقی، متشکل از: علل اربعه (متخذ از فلسفه اسلامی) و مصالح خمسه (متخذ از فقه) این مسأله را از منظر فقه تحلیل کنیم.

رحمت‌اللهی و همکاران (۱۳۹۴)، پژوهشی با عنوان "امنیت سیاسی افراد و مرجع آن در فقه امامیه" انجام دادند. این نوشتار با توجه به این اهمیت، درصدد بازشناسی مقوله امنیت سیاسی و مهم‌ترین رکن آن ذیل عنوان «مرجع امنیت» در آموزه‌های فقه سیاسی شیعه است.

نباتیان (۱۳۹۵)، پژوهشی با عنوان "مبانی فقهی نظام جمهوری اسلامی؛ امنیت سیاسی نظام اسلامی از منظر فقه شیعه" مدعای مقاله این بوده است که در ابواب مختلف فقه، گزاره‌های فقهی متعددی ناظر بر عوامل و ضوابط تولید و تأمین امنیت سیاسی نظام اسلامی و نیز تهدیدات و وجوب مقابله با آن وجود دارند.

محمدی و ملکی (۱۳۹۴)، پژوهشی با عنوان "دیدگاه فقه و حقوق اسلام به مقوله امنیت" انجام دادند. اهمیت امنیت در همه عرصه‌ها و راه حل‌های تحقق بخشیدن به امنیت اجتماعی بیش از سایر نظام‌های حقوقی در دین اسلامی مورد مطالعه قرار گرفته است از دیدگاه آیات و روایات نیز هم امنیت از نعمت‌های بزرگ خداوند بوده و بر سایر نیازهای بشر اولویت دارد. با بررسی که از پیشینه تحقیق حاضر انجام گرفته است می‌توان گفت که نوآوری و تفاوتی که این تحقیق با پژوهش‌های انجام شده دارد این است که؛ پژوهش‌هایی که تاکنون در این زمینه صورت گرفته و امنیت سیاسی شهروندان را مدنظر قرار داده اند بسیار اندک است. و اینکه تاکید آنها بیشتر بر بحث امنیت است و امنیت سیاسی شهروندان را در منابع فقهی، حقوقی و بین‌المللی کمتر مورد بررسی قرار داده اند. در این تحقیق سعی شده است که امنیت سیاسی شهروندان را از نظرگاه‌های مختلف و همچنین منابع و کتب فقهی، حقوقی و اسناد بین‌المللی مورد بررسی قرار دهیم.

۴- مبانی نظری تحقیق

۴-۱ تعریف امنیت در لغت

امنیت در لغت فارسی به «ایمن شدن»، «در امن بودن» و «بی‌بیمی» تعریف شده است. معادل این واژه در زبان عربی «الامن» «الامان» است که بر محور معنایی اطمینان در امن بودن، ضمانت و محافظت، حمایت مورد اعتماد و اطمینان و نیز اطمینان و سکون قلب قرار دارند. لغت شناسان، معانی چندی برای این ریشه بیان کرده‌اند؛ همچون: الأمن ضد الخوف، الأمانه ضد الخيانة، الإیمان ضد الكفر، الإیمان بمعنى التصديق و ضده التکذیب. شیخ طوسی مفسر برجسته شیعه نیز «امن» را سکون النفس إلی الأمر می‌خواند و نقطه مقابل آن را خوف یا انزعاج النفس من الأمر معرفی می‌کند. گاردن گراهام^۱ معتقد است که واژه امنیت را در کنار برخی دیگر از مفاهیم، نظیر آزادی و عدالت، باید در زمره قدیمی‌ترین واژه‌ها در حیات تاریخ بشر دانست و در عین حال، جزء ارزش‌های اساسی زندگی انسانی محسوب نمود. امنیت از حیث لغوی برابر نهاد Security است. در زبان انگلیسی این مفهوم از واژه لاتین Securus مشتق شده که به معنای «رهایی از ترس یا نگرانی»^۲ و یا «امان»^۳، «اطمینان»^۴، «حافظت»^۵، «صیانت»^۶ به کار رفته است. در فرهنگ معین، امنیت به معنای ایمن شدن، در امان بودن و بی‌بیمی تعریف شده است، در فرهنگ عمید به معنای ایمنی، آرامش و آسودگی آماده است و در فرهنگ المنجد، اطمینان و آرامش خاطر معنا شده است. امنیت در زبان عربی در مقابل واژه «خوف» قرار دارد. و

¹ Garden Graham

² Fear or Anxiety

³ Safty

⁴ Certainty

⁵ Protection

⁶ Defense

از ریشه «امن» به معنای در امان بودن و مصون بودن از هرگونه تعرض و در آرامش و آسودگی بودن از هرگونه تهدید و ترس می‌باشد. خود واژه امن به معنای ایمن شدن و آرامش خاطر و ایمنی، آرامش قلب و خاطر جمع بودن است. واژه ایمان که به معنای باور و یقین قلبی است، از ریشه امن اخذ شده است و در ادبیات قرآنی یکی از صفات حق تعالی، مؤمن است. .

۲-۴ تعریف امنیت در فقه حقوق - و علوم سیاسی

امنیت در اصطلاح به معنای «نبود تهدید نظامی برای ملت و یا توان نگهداری کشور از هجوم دشمنان و یا محافظت کشور در دفع تهدید های خارجی عیله حیات سیاسی و منافع ملی است. اما بی شک این تعریف وافی به مقصود نیست و برای رسیدن به تعریفی مناسب مؤلفه‌های امنیت را لحاظ کرد. در این زمینه می توان گفت اولاً «شرایط امن آن است که ارزش های حیاتی برای فرد، جامعه و کشور به عنوان مرجع امنیت از تهدید مصون باشد و ثانیاً امنیت در اندیشه اسلامی وضعیتی است که در پرتو آن زمینه عباد خداوند متعال و در نتیجه قرب به باری تعالی را فراهم می‌کند و بر همین اساس امنیت فردی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، ملی و جهانی در این راستا باید جهت گیری شود. (بالایی، ۱۳۹۶: ۴).

جدول (۱) سطوح امنیت در سنت واقع گرایی

سطح فردی	سطح دولت کشور (امنیت ملی)	سطح سیستمی (امنیت بین الملل)
افراد در وضع طبیعی، پیدایش معمای امنیت و بقا	دولت به عنوان یگانه کارگزار در امور	ساختار نظام بین الملل، اصل آنارشی، ایجاد اصل خودباوری
شکل گیری قرارداد اجتماعی	پیوند میان دولت و ملت؛ وجود یا عدم وجود بحران هویت، مشروعیت و اقتدار و نفوذ	بقای نظام به عنوان بالاترین ارزش، شکل گیری تهدیدهای ساختاری ناشی از توزیع قدرت
شکل گیری جامعه با کارگزار امنیت	زیرساخت های مالی دولت ملی یا کشور	معضل امنیت بین المللی
شکل گیری تهدیدهای مختلف در	شکل گیری انواع مختلف کشورها از بعد	-

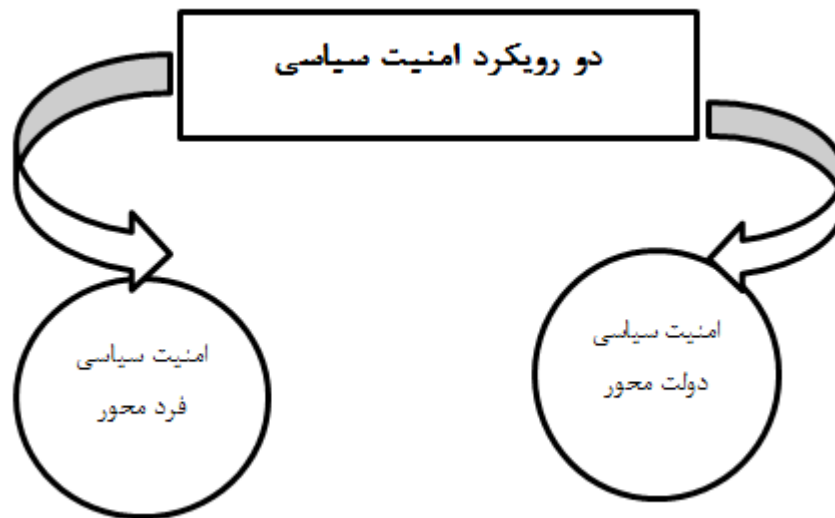
جامعه	قدرت ملی و قدرت اقدام	
خسونت ساختاری دولت	پدید آمدن حوزه آسیب پذیری ها و محقق شدن تهدیدها	-
ناکارایی دولت در ایجاد نظم	شکل گیری معمای امنیت	

منبع: (قربی، ۱۳۹۶: ۵۴).

۳-۴ امنیت سیاسی

در یک نگاه کلی هرگاه سخن از امنیت به میان می آید، آن چه در ذهن خطور می کند امنیت جان و مال است؛ در حالی که برای یک جامعه پویا و سالم امنیت سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فردی و... مطرح می باشد و لازم است که حکومت امنیت جامعه را در همه ابعاد تأمین نماید. بر همین اساس امنیت را می توان به ابعاد مختلف فردی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی تقسیم کرد که در این جا بعد سیاسی آن مدنظر است. امنیت سیاسی به معنای تأمین آرامش و طمأنینه لازم توسط حاکمیت یک کشور برای شهروندان قلمرو خویش از راه مقابله با تهدیدات مختلف خارجی و هم چنین تضمین حقوق سیاسی آنها در مشارکت جهت تعیین سرنوشت سیاسی و اجتماعی آنها می باشد. نظام سیاسی در راستای امکان بخشی و تسهیل مشارکت و دخالت مردم در تعیین سرنوشت خود و جامعه، می بایستی امنیت و حضور آزادانه و برابر آنها را فراهم آورد و هیچ کس را به داشتن باور سیاسی خاصی وادار نکند. در واقع امنیت سیاسی به معنای وجود دستگاه سیاسی است که در آن مردم آزادانه و بدون ترس و وحشت بتوانند مواضع سیاسی و باورهای خود را هر چند مخالف حکومت باشد، در چارچوب قوانین موجود بیان کنند و کسی حق تعرض به دیگران را به دلیل ابراز عقیده سیاسی نداشته باشد. به تعبیری امنیت سیاسی برای همگان تنها در سایه برابری در مقابل قانون است، چه از نظر وضع قانونی و چه از لحاظ اجرای قانون. بدیهی است چنین امنیتی هرگز در حکومت های خودکامه (استبدادی) ایجاد نخواهد شد. ثبات سیاسی، محصول امنیت سیاسی و در اصل ناظر به وجود توازن بین «خواست های مردمی» از یک سو و کارویژه های حکومتی از سوی دیگر می باشد (رهبر و سوری، ۱۳۹۵: ۱۱۰-۱۱۱).

نمودار (۱) دو رویکرد متفاوت به امنیت سیاسی



در اندیشه‌ی سیاسی مدرن دولت در فضای آنارشی مسئول امنیت و مراقبت از آن است. از این دیدگاه دولت‌ها موضوع اصلی امنیت هستند. از منظر جامعه‌شناسی سیاسی نیز احساس امنیت سیاسی را می‌توان محصول کنش متقابل اجتماعی دانست که از درون تعاملات متقابل افراد، گروه‌ها و نهادهای سیاسی متجلی می‌شود. به بیان دیگر احساس امنیت سیاسی در واقع نوعی تولید اجتماعی است و همه نهادهای اجتماعی و سیاسی در شکل‌گیری آن سهیم هستند. بنابراین می‌توان گفت احساس امنیت سیاسی مفهوم چند وجهی و پیچیده است، زیرا اولاً احساس در فضای ذهنی و بین‌الذهنی شکل می‌گیرد؛ ثانیاً این احساس ناظر بر حوزه امنیت می‌باشد که خود واجد صفاتی چون ذهنی بودن، نسبی بودن و مانند آن است. ثالثاً این احساس امنیت در حوزه سیاسی می‌باشد که به تعبیر ماکس وبر حوزه قدرت است (رهبر و سوری، ۱۳۹۵: ۱۲۸).

۴-۴ حق امنیت در اسناد حقوق بین‌المللی

تعهدات دولت‌ها در زمینه پاسداری از آزادی و امنیت شخصی در اسناد جهانی حقوق بشر همچون میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (ماده ۹) اعلامیه جهانی حقوق بشر (ماده ۹) در اسناد منطقه‌ای مانند اعلامیه اسلامی حقوق بشر (ماده ۲۰) و کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی (ماده ۵) تصریح، و به آثار چنین حقی اشاره شده است. بند نهم میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مصوب ۱۶ دسامبر ۱۹۶۶ مطابق با ۲۵ آذر ماه ۱۳۴۵ مقرر داشته است: «هرکسی آزادی و امنیت شخصی دارد. هیچ کس را نمی‌توان خودسرانه (بدون مجوز) دستگیر یا بازداشت (زندانی) کرد. از هیچ کس نمی‌توان سلب آزادی کرد مگر به جهات و طبق آیین دادرسی مقرر به حکم قانون». ماده ۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر مصوب ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸ مطابق با ۱۹ آذر ۱۳۲۷ نیز مقرر داشته است: «هیچ کس را

نمی‌توان خودسرانه بازداشت کرد یا زندانی ساخت یا تبعید نمود». بر اساس ماده بیستم اعلامیه اسلامی حقوق بشر (قاهر - ۱۴ محرم ۱۵/۱۴۱۱ مرداد ۱۳۶۹): «دستگیری یا محدود ساختن آزادی یا تبعید یا مجازات هیچ انسانی جایز نیست مگر به مقتضای شرع...». از متن مفاد ماده ۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و ماده ۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر و ماده ۲۰ اعلامیه اسلامی حقوق بشر و ماده ۵ کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی، می‌توان این‌گونه نتیجه گرفت که آزادی و امنیت شخصی یکی از حقوقی است که برای همه انسان‌ها بر رسمیت شناخته شده و دولت‌ها موظف به پاسداری از آن شده‌اند. بر پایه این حق، همه افراد همواره باید از حق آزادی برخوردار باشند و سلب آزادی از اشخاص باید استثنایی باشد که تنها بر پایه قانون و دستور مرجع قضایی و به حکم ضرورتی گریز ناپذیر انجام گیرد و هر چه زودتر دادرسی عادلانه درباره کسانی که آزادی شان سلب شده است، به عمل آید و اشخاص دستگیر شده حق اعتراض به دستگیری یا بازداشت خود را داشته باشند (صادقی زیاری و ابراهیمی منش، ۱۳۹۲: ۱۷۵).

بدون تردید، برخورداری از امنیت از اساسی‌ترین نیازهای بشری و از اصلی‌ترین کارکردهای هر حکومت است و نظام‌های سیاسی، بر مبنای هر نظریه‌ای که بنیان نهاد شده باشند، خود را موظف به تأمین، حفاظت و گسترش آن می‌دانند. از این رو، امنیت، چه در بخش فردی چه در بخش اجتماعی، یکی از حقوق مسلم انسان‌ها (و در نتیجه از تکالیف قطعی دولت‌ها) شناخته شده و در اسناد معتبر جهانی مورد تصریح قرار گرفته است. برای مثال، مطابق ماده ۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر: «هرکس حق زندگی، آزادی و امنیت شخصی دارد». همچنین بر اساس ماده ۲۲ همان اعلامیه «هر کس به عنوان عضو اجتماع حق امنیت اجتماعی دارد و مجاز است با مساعی ملی و همکاری بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خود را که لازمه مقام و نمو آزادانه شخصیت اوست با رعایت تشکیلات و منابع هر کشور به دست آورد. قابل توجه است که مجمع عمومی سازمان ملل متحد که در دسامبر ۱۹۴۸ این اعلامیه را به تصویب رساند، به صراحت در مقدمه اعلام کرد که آن را «آرمان مشترکی برای تمام مردم و کلیه ملل اعلام می‌کند تا جمیع افراد و همه ارکان اجتماع این اعلامیه را دائماً مد نظر داشته باشند و مجاهدت کنند که به وسیله تعلیم و تربیت، احترام این حقوق و آزادی‌ها توسعه یابد و با تدابیر تدریجی ملی و بین‌المللی، شناسایی و اجرای واقعی و حیاتی آنها، چه میان خود ملل عضو چه بین مردم کشورهایی که در قلمرو آنها هستند، تأمین گردد» از این رو، هر انسانی، بدون هیچ تفاوتی، از آنجا که انسان است، از همه حقوق مندرج در این اعلامیه، از جمله حق امنیت برخوردار است. به موجب ماده ۲ اعلامیه جهانی حقوق بشر هرکس می‌تواند بدون هیچ‌گونه تمایز به خصوص از نظر نژاد، رنگ، زبان، مذهب عقیده سیاسی یا هر عقیده دیگر، از تمام حقوق و آزادی‌هایی که در اعلامیه حاضر بیان شده است، بهره‌مند شود. همین

مطالب عیناً، و شاید هم با صراحت بیشتر، در میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی (مصوب ۱۶ دسامبر ۱۹۶۶ برابر با ۲۵ آذر ۱۳۴۵) مجمع عمومی سازمان ملل متحد تکرار شده است (اسماعیلی، ۱۳۹۱: ۸-۹).

۵-۴ دیدگاه اعلامیه جهانی حقوق بشر در رابطه با امنیت

تعریف امنیت برای افراد و دولت ایجاد تکلیف می کند بدین معنی که افراد مکلفند حقوق مادی و معنوی یکدیگر را احترام بگذارند و دولت نیز موظف است با وضع قانون و تأسیس تشکیلات اداری و قضایی برای مردم ایجاد امنیت کند. مفهوم امنیت به عنوان شرط بنیادین حیات انسانی در همه جای دنیا قابل درک است همچنان که در اعلامیه جهانی حقوق بشر ماده سه و میثاق بین المللی حقوق مدنی ماده ۱ بند نهم و همچنین در بند ۱۴ از اصل سوم قانون اساسی در تأمین و ایجاد امنیت همه جانبه آن را از وظایف دولت بر می شمارد.

۶-۴ اقسام امنیت در اسلام

فقه سیاسی مجموعه‌ی قواعد، اصول فقهی و حقوقی برخاسته از مبانی اسلامی است که تنظیم روابط مسلمانان با خودشان و تنظیم روابط آنها با ملت های غیرمسلمان را بر عهده داشت دارد. از این رو در شناخت ابعاد تأمین امنیت با عنایت به روابط مختلف مسلمانان در حوزه اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، نظامی، اقتصاد و.... منابع فقهی نیز باید با همین تقسیم بندی بررسی شود، چرا که «فقه عهده دار ایجاد امنیت در تمام بخش‌هاست و در این راستاست که ارتباط مستقیم فقه سیاسی با امنیت روشن می شود. به این معنا که تأمین امنیت در ابعاد مختلف اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، نظامی، اقتصادی و.... یکی از مهم ترین وظایف حاکم جامعه اسلامی است. بنابراین اقسام امنیت در اسلام به شرح جدول ذیل می باشد:

جدول (۲) اقسام امنیت در اسلام

امنیت اجتماعی	امنیت اقتصادی
امنیت نظامی	امنیت فرهنگی

-	امنیت سیاسی
---	-------------

منبع: (بالایی، ۱۳۹۶: ۱۲).

۷-۴ امنیت در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران

بر اساس به رسمت شناخته شدن حق آزادی و امنیت شخصی در اسناد بین‌المللی حقوق بشر تکلیف دولت‌ها به پاسداری از آن، در زیر به بررسی قوانین موجود در این زمینه در حقوق ایران می‌پردازیم و پس از بیان ایرادها و ابهام‌های قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری ۱۳۷۸ ش، به بررسی قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری ۱۳۷۸ ش، به بررسی قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ ش خواهیم پرداخت تا میزان مطابقت قوانین ایران با اسناد بین‌المللی حقوق بشر روشن شود. بر اساس مواد و مفاد اسناد بین‌المللی حقوق بشر در راستای حمایت از حق آزادی و امنیت شخصی افراد، اصل بر منع دستگیری و بازداشت افراد است و از هیچ کس مگر به جهات و طبق آیین دادرسی مقرر به حکم قانون نمی‌توان سلب آزادی کرد. اصل سی و دوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز اصل را بر منع دستگیری افراد قرار داده است؛ مگر به حکم و ترتیبی که قانون معین می‌کند. حق آزادی هر فرد و بهره بردن از امکانات به موجب آزادی، حق طبیعی هر انسانی به شمار می‌آید؛ لذا نباید آن را بدون مجوز از هیچ کس سلب کرد بازداشت بدون مجوز حتی از سوی مقام قضایی و ضابط آن هم نمی‌تواند صورت گیرد در قانون اساسی برخی از مصداق‌های حق آزادی و امنیت شخصی به رسمیت شناخته شده است در اصل ۳۲ قانون اساسی بر ممنوعیت توقیف خودسرانه تاکید شده و اصل را بر منع سلب آزادی افراد قرار داده و تاکید نموده است که سلب آزادی افراد فقط به حکم و ترتیبی است که قانون معین می‌کند و مرجعی که به بازداشت دست بزند باید حداکثر در ۲۴ ساعت پرونده‌ی مقدماتی را به مرجع صالح قضایی بفرستد و اصل ۳۳ نیز حکم مصداق دیگر سلب آزادی افراد را که تبعید است بیان کرده است؛ مگر در مواردی که قانون مقرر می‌دارد. هیچ کس را نمی‌توان از محل اقامت خود تبعید کرد یا از اقامت در محل مورد علاقه اش ممنوع یا به اقامت در محلی مجبور ساخت. افزون بر این اصول ۱۷، ۳۶، و ۳۹ قانون اساسی نیز از حق آزادی و امنیت شخصی را به رسمیت شناخته است (صادقی زیازی و ابراهیمی منش، ۱۳۹۲: ۱۷۵). امنیت در قانون اساسی دارای بنیادی دینی به گونه‌ای صریح و ضمنی است از یک طرف بارزترین اصل دینی امنیت ملی در این حوزه نفی سبیل است که برگرفته از آیه ۱۶۱ سوره نساء می‌باشد. البته فقها نفی سبیل را به معنای عام یعنی در رد هر گونه سلطه مراد کرده‌اند. اما تمرکز آن را بر ممنوعیت سلطه نظامی - سیاسی به ویژه در سیاست خارجی، سرمایه گذاری خارجی و امور نظامی قرار داده‌اند. از طرف دیگر در مقدمه قانون اساسی، یکی از شاخص‌های امنیت ملی در دیدگاه سنتی امنیت نظامی و توان دفاع در مقابل حملات بیگانگان است. تحلیل اصول مختلف قانون اساسی ما را به این سمت رهنمون می‌سازد که بسیاری از نگرش‌های جدید به امنیت را می‌توان در ذیل موضوعات

مختلف شناسایی کرد. در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران علاوه بر نهاد تاسیسی توسط اصل ۱۷۶ «نهادهایی که می‌توانند به نحوی در سیستم تصمیم‌سازی امنیت ملی دخالت کنند رهبر، مجمع تشخیص مصلحت نظام، شورای نگهبان، مجلس و دولت، به ویژه برخی از بخش‌ها مانند سازمان مدیریت و برنامه ریزی هستند. به منظور بررسی جایگاه امنیت در نظام حقوقی ایران قوانین عادی حائز اهمیت هستند. در این میان توجه به قوانین برنامه توسعه به مقوله امنیت و تامین آن در برنامه‌های مختلف توسعه کشور جایگاه ویژه‌ای دارد (بالایی و بهادری جهرمی، ۱۳۹۶).

۸-۴ امنیت سیاسی از دیدگاه امام خمینی (ره)

در بحث امنیت سیاسی دیدگاه‌های امام راحل (ره) را می‌توان در دو بعد سیاست داخلی و سیاست خارجی مورد توجه قرار داد: در زمینه‌ی سیاست داخلی عوامل زیر، به عنوان اساسی‌ترین عناصر در برقراری امنیت نظام جمهوری اسلامی قابل بحث می‌باشند: جایگاه ولایت فقیه و رهبری، صیانت از اسلامیت نظام، پایگاه مردمی نظام، رعایت اصل استقلال، التزام به قانون (قانون‌گرایی). دیدگاه امام خمینی (ره) درباره نقش و جایگاه ولایت فقیه با توجه به پیام‌ها، سخنرانی‌ها و نوشته‌های متعدد ایشان بر هیچ کس پوشیده نیست. به عنوان نمونه، درباره‌ی بهترین اصل در اصول قانون اساسی، اهمیت این اصل اساسی و شأن امنیتی آن می‌فرمایند: من به همه‌ی ملت، به هم هی قوای انتظامی، اطمینان می‌دهم که اصل ولایت فقیه است امر دولت اسلامی اگر با نظارت فقیه و ولایت فقیه باشد، آسیبی بر این مملکت وارد نخواهد شد. یکی دیگر از عوامل ایجاد نظم و امنیت در جامعه، قانون‌گرایی و پرهیز از قانون‌گریزی است. امام خمینی (ره)، حکومت جمهوری اسلامی را حکومتی مبتنی بر قانون عدل الهی دانسته و به اعتقاد ایشان «همه در سایه‌ی قانون با امنیت کامل به سر می‌برند» و هیچ حاکمی حق ندارد برخلاف مقررات و قانون شرع مطهر، قدمی بردارد.

نمودار (۲) مؤلفه‌های امنیت شخصی از منظر امام خمینی (ره)



منبع: (قربی، ۱۳۹۶). نظام سیاسی تبیین کننده ی ماهیت قدرت در ساختار اجتماعی است و امنیت سیاسی به در امام بودن ساختار حکومت از گزند دشمنان داخلی و خارجی اشاره دارد. از همین رو امام خمینی (ره) در مورد ارتباط دشمنان اسلام با کشورهای اسلامی می گوید: «اگر یکی از دولت های اسلامی با بیگانگان رابطه ای برقرار سازد که مخالف با مصلحت اسلام و مسلمین باشد، واجب است بر دیگر دولت ها که آن قرارداد را باطل کنند و هر وسیله ای که در اختیار دارند به کار گیرند برای قطع این رابطه، بر افراد مسلمان نیز واجب است که به این امر همت گمارند» (خمینی، ج ۱. ۲: ۴۸۵). کتاب تحریر الوسيله نیز محارب را به هر کسی که سلاح خود را برای ترساندن مردم تجهیز و آماده کند اطلاق کرده است و کسی را که بدون توسل به سلاح در صدد قتل یا ربودن مال دیگری برآمده است، از شمول حکم محارب خارج می داند. از این رو مشخص است که بحث در تحریر الوسيله و تعریف ارائه شده از حد محاربه، بر محدودیت مصادیق آن به اعمال راهزنان و افرادی است که با توسل به خشونت و سلاح قصد سلب امنیت جانی و مالی شهروندان را دارند. اما نظر به آنکه در این مجال اصل بحث تامین امنیت سیاسی است، باید گفت که در فقه امامیه بغی جرم علیه امنیت دولت انگاشته شده است.

۹-۴ امنیت سیاسی از دیدگاه مقام معظم رهبری

مقام معظم رهبری نیز اصول سیاست خارجی را حول محور سه اصل بنیادین عزت، حکمت و مصلحت بیان کرده اند که به کار بستن این اصول در عرصه ی روابط بین الملل نشانه ی شوکت، اقتدار و امنیت نظام مقدس جمهوری اسلامی است «متأسفانه برخی از کشورها، تز معروف استقلال کمتر، امنیت بیشتر» را دنبال می کنند و برای آسودگی خیال و جلوگیری از تجاوز دشمن، کشور خود را در اختیار یک قدرت بزرگ قرار داده اند، این امر به قول معروف

«خودکشی از ترس مرگ» است. یعنی ما خودمان کاری کنیم که دشمن دیگر نیازی به تجاوز نداشته باشد، در همه‌ی بخش‌ها دشمن را سهیم و شریک کنیم، تا نیازی به تجاوز نباشد! بنابراین در بخش سیاسی مقداری وابستگی، در بخش فرهنگی مقداری بی‌هویتی، تسلیم و تقلید کورکورانه و در بخش اقتصادی اشتراک منافع با دیگران، حاصل این تفکر است. کشورهای در اطراف ما وجود دارند که مجری این روش‌ها هستند. در خود ایران قبل از انقلاب نیز، وضع چنین بود. مردم ما در گذشته با این شیوه کاملاً آشنا بودند و امنیت در ایران از طریق وابستگی در بخش سیاسی، در بخش فرهنگی و در بخش اقتصادی تأمین می‌شد (تصدیقی، ۱۳۸۹: ۱۵۹).

۱۰-۴ حق امنیت در فقه و نظام مردم سالاری دینی

با مروری در کتاب و سنت، فتاوی و مباحث فقهی متقدمین، و بالاخره دیدگاه‌های رهبری نظام اسلامی، به عنوان تبلور اندیشه سیاسی اسلام در عصر حاضر، می‌توان گفت حق امنیت در نظام مردم سالاری دینی از پنج شاخص و عنصر اصلی برخوردار است. این شاخص‌ها که در صورت تحقق امنیت پایدار را به ارمغان می‌آورند، عبارت‌اند از: عمومیت و همگانی بودن، برخوردار از پشتوانه حاکمیتی، قاطعیت، سرعت و استثناناپذیری در مجازات عوامل ناامنی، استوار شدن بر مبانی و انگیزه‌های اعتقادی، و سرانجام، جامعیت مفهومی و گستردگی قلمرو. در زیر پنج بعد امنیت را مورد ارزیابی قرار می‌دهیم:

❖ امنیت پایدار نیاز طبیعی و حق همگانی بشر

از نظر قرآن کریم، به عنوان منبع اصلی استنباط اندیشه‌های اسلامی، امنیت پیش نیاز یک زندگی سالم اجتماعی است، و زندگی بشر قبل از هر چیز باید امن و برخوردار از رفاه باشد. جالب است که خداوند از شهر امن به عنوان آرمانی مَثَل‌زدنی یاد کرده است «خداوند شهری را مَثَل زده است که امن و آرام بود و رزقش به وفور از هر طرف به آن می‌رسید، اما کفران نعمت کردند و خدا هم به سزای آنچه انجام دادند طعم گرسنگی و هراس را به مردم آن چشاند (نحل/ ۱۱۲). حضرت ابراهیم (ع) هنگام بنا نهادن شهر جدید مکه از خداوند خواست که آن سرزمین را از نعمت امنیت برخوردار سازد (ابراهیم، ۳۵). نکته زیبا و ظریف، تفاوت نیایش حضرت ابراهیم در این آیه شریفه با عبارتی است که در آیه ۱۲۶ سوره بقره از قول وی نقل شده است. با اینکه هر دو آیه یک خواسته از آن حضرت را یادآوری می‌کنند، در سوره ابراهیم به صورت معرفه (هذا البلد) و در سوره بقره به صورت نکره به این سرزمین اشاره

۱- وَصَرَبَ اِمْثَالًا قَرِيْبَةً كَانَتْ اَمِيْنَةً مُّطْمَئِنِّتَةً يَأْتِيْهَا رِزْقُهَا رَغَدًا مِّنْ كُلِّ مَكَانٍ فَكَفَرَتْ بِاَنْعُمِ اللّٰهِ فَاذَاقَهَا اَلِيبَاسَ الْجُوعِ وَالْخَوْفِ بِمَا كَانُوْا يَصْنَعُوْنَ.
 ۲- وَاذْ قَالِ اِبْرٰهِيْمُ رَبِّ اجْعَلْ هٰذَا الْبَلَدَ اَمِيْنًا وَاَجْنُبْنِيْ وَبَيْتِيْ اَنْ يَّعْبُدَ الْاَصْنَامَ

شده است «وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا بَلَدًا آمِنًا» علامه طباطبایی با توضیحاتی تأکید می‌کند که این دو آیه حاکی از دو دعاست نه یکی. اولی مربوط به سفرهای بعدی حضرت ابراهیم به آن سرزمین و پس از احداث شهر مکه بود و دومی در سفر نخستین که زن و فرزندش را در بیابان خشک و بی آب و علف نهاد (علامه طباطبایی، ج ۱۳، ص ۶۹). نتیجه اینکه امنیت پایدار، حق مستمر و نیاز ثابت انسان است، و به همین دلیل، خواسته همیشگی آن حضرت بوده است. در حدیث جالبی از امام صادق (ع) نقل شده است که فرمودند: سه چیز است که همه مردم بدون استثنا به آنها نیازمندند: امنیت، دادگری و فراوانی^۱.

بنابراین، همه شهروندانی که در سایه نظام اسلامی زندگی می‌کنند، حتی غیرمسلمانان حق دارند از امنیت برخوردار باشند.

۱۱-۴ تأمین امنیت پایدار و همگانی، وظیفه حاکمیت دینی

گفته شد برقراری امنیت از اصلی‌ترین وظایف هر حکومت است؛ اصولاً فلسفه تشکیل حکومت چه حکومت دینی و مشروع، چه حکومت غیردینی و نامشروع همین است. با این حال، حکومت‌های دینی تکلیف مضاعفی در این زمینه برعهده دارند، زیرا ناامنی موجب بدبینی و روگردانی مردم از اصل دین می‌شود. به همین علت، انتظار برقراری امنیت از حاکمان و رهبران الهی طبیعی است؛ چنان که قرآن درباره ذوالقرنین بازگو کرده است. قرآن کریم نیز پاسخ مثبت به این درخواست را لازم دانسته است، زیرا امنیت و مهم‌ترین شرط زندگی سالم اجتماعی است. به همین علت، ذوالقرنین برای فراهم کردن امنیت قومی که مورد تهدید قرار گرفته بودند پرحمت‌ترین کارها را برعهده گرفت و برای جلوگیری از هجوم مفسدان نیرومندترین سد را ساخت که در تاریخ ضرر بالمثل شده و سنبل استحکام و دوام و بقاست.

❖ سرعت، قاطعیت و عدالت قضایی، شرط تحقق امنیت پایدار

علاوه بر سرعت، قاطعیت در اجرای حکم و عدم تبعیض میان مجرمان از خصوصیات فقه شیعی است. از امام صادق (ع) روایت شده است که زنی صاحب نام را که دزدی کرده بودند به محضر پیامبر خدا آوردند و آن حضرت نیز دستور به قطع انگشتان او داد. گروهی از بزرگان قریش نزد حضرت آمدند و گفتند: ای پیامبر خدا، زن مشهور و آبرومندی چون او را برای سرقت مال کم ارزشی چون این، مجازات می‌کنید؟! رسول خدا (ص) قاطعانه به آنان پاسخ داد: آری، اصولاً دلیل نابودی و هلاکت پیشینیان شما همین طرز تفکر بوده است. آنان هم مجازات را برای افراد ناتوان و مردم عادی اجرا می‌کردند، اما توانگران و بزرگانشان را از چنگ عدالت رها می‌ساختند. همین بود که نابود شدند.^۲

۱- ثَلَاثَةٌ أَشْيَاءُ يَحْتَاجُ النَّاسُ طَرًّا إِلَيْهَا : الْأَمْنُ ، وَالْعَدْلُ ، وَالْخَصْبُ.

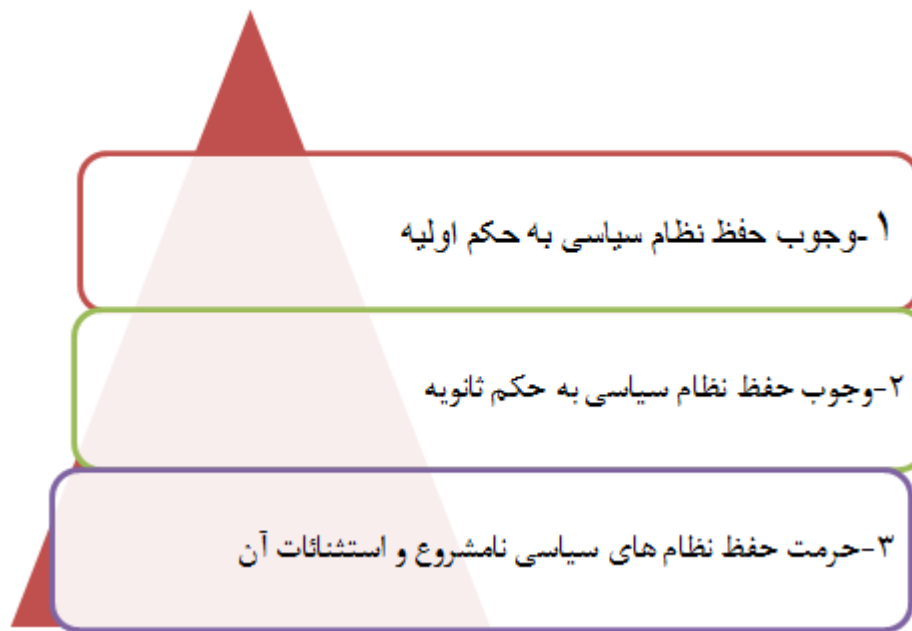
۲- أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَطَعَ يَدَ امْرَأَةٍ سَرَقَتْ فِي قَوْمِهَا قَدْ سَرَقَتْ فَأَمَرَ بِقَطْعِهَا فَأَجْتَمَعَ إِلَيْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نَاسٌ مِنْ قُرَيْشٍ وَ قَالُوا يَا رَسُولَ اللَّهِ قَطَعْتَ امْرَأَةً سَرِيفَةً مِثْلَ فُتَالَةَ فِي حَظَرِ بَيْتِي ، قَالَ نَعَمْ إِيْمَا هَلَكَ مَنْ كَانَ قَبْلَكَ بِمِثْلِ هَذَا كَانُوا يُعِيْمُونَ الْحُدُودَ عَلَى ضِعْفَائِهِمْ وَ يَبْرُكُونَ أَقْوِيَاءَهُمْ وَ أَشْرَافَهُمْ فَهَلْكَوْا.

❖ زیربنای امنیت، اعتقادات دینی و ارزش های مذهبی

نقش اعتقادات و انگیزه‌های دینی در کنش‌ها و واکنش‌های انسانی، نقشی اساسی و بی بدیل است. استدلال‌های علمی تا به اعتقادهای قلبی تبدیل نشوند، پایدار و مؤثر نیستند؛ البته این چیزی نیست که اختصاص به دین اسلام داشته باشد. تجربه ثابت کرده است هر اندیشه‌ای که مبتنی بر اعتقادات قلبی شود، جدی تر محقق می‌گردد. از سوی دیگر، اسلام تأمین امنیت را عملی دینی و بلکه از بهترین اعمال و عبادات معرفی می‌کند تا هم مردم و هم حاکمان را به مشارکت در حفاظت از این نعمت بی بدیل فرا خواند. توصیه‌های اکید اسلام به تأمین امنیت عمومی و ارزش و ثوابی که برای آن قائل است، و حتی آن را از عبادت های مرسوم و معمول بسی پر فضیلت تر می‌شمارد، همه عاملی مهم در تقویت انگیزه ها برای مشارکت داوطلبانه و فداکاری عاشقانه در راه تأمین امنیت در جامعه است. در فضای امن عابدان هم می توانند به عبادت پردازند و نیکوکاران هم نیکوکاری کنند.

❖ امنیت پایدار در گرو جامعیت مفهومی و گسترش در همه عرصه ها

انسان به امنیت و آرامش خاطر در همه ابعاد وجود خود نیازمند است. آنان که ارزش‌ها و تمایلات انسان را فقط در مادیات یا حداکثر فعالیت های معطوف به رقابت و کسب قدرت خلاصه می‌کنند، باید بدانند که از مهمترین ارزش‌ها و گرایش‌های انسان یا همان ارزش‌های اخلاقی و گرایش های فرهنگی غفلت کرده اند. تجربه امروز غرب هم اثبات کرده است که حتی در صورت تفکیک امنیت اخلاقی و فرهنگی از امنیت در حوزه های اقتصادی و اجتماعی، و با فرض موفقیت در نفی تهدیدها در این حوزه های خاص، امنیت پایدار به دست نخواهد آمد و دیر یا زود نگرانی‌های فرهنگی و اخلاقی، وجدان و فطرت بشری را بیدار خواهد کرد و خواب از چشمان او خواهد ربود (اسماعیلی، ۱۳۹۱: ۲۰). با تتبع در کتب فقهی معلوم می شود که حفظ نظام سیاسی یا امنیت سیاسی در سطح ملی در کلام فقها، دارای سه حکم کلی است که در نمودار شماره (۳) آورده شده است:



نمودار (۳) امنیت سیاسی در سطح ملی در کلام فقها منبع: (حاج زاده و همکاران، ۱۳۹۷: ۲۵۸)

شیخ طوسی در مورد جرم علیه امنیت شهروندان نظر فقهی خود را این گونه بیان می کند: «مطابق روایات ما، مواد آیه ی ۳۳ سوره مائده هر کسی که سلاح کشیده و مردم را می ترساند، چه در دریا و چه در خشکی چه در شهر و چه در بیابان و روایت شده که دزد هم محارب است. در بعضی از روایات ما هم که مراد از آیه قطاع الطريق هستند، چنان که فقیهان عامه نیز چنین گفته اند» در کتاب سرائر تحت عنوان «باب حد المحاربین و هم قطاع الطريق و النباش و المختلس...» پس از ذکر آیه ی محاربه آمده است: «اختلافی در میان فقیهان نیست که مراد از این آیه قطاع الطريق هستند و به نظر ما هر کس است که برای ایجاد ترس در مردم سلاح بکشد». در کتاب جواهر الکلام ضمن نقل عبارت کتاب شرایع در توصیف محارب «المحارب کل من جد السلاح لاخافه الناس»، به صورت دقیق مفهوم و مصادیق این حد به اقداماتی فرو کاسته شده که در عرصهی سلب امنیت جانی و مالی مردم و شهروندان کشور اسلامی صورت می گیرد و هیچ گونه عبارت و کلامی که بتوان توسعه در معنای حد محاربه را از آن استفاده کرد، مشاهده نمی شود؛ بلکه ایشان برخی مصادیق ربایش علنی مال و آسیب رساندن به امنیت شهروندان را همراه و مقارن با تشهیر سلاح نیست، از شمول این حد خارج دانسته است. او در تعریف امنیت سیاسی می گوید: «هر کس علیه امام عادل قیام کند، بیعت خویش را نقض کند و دستور های او را اطاعت نکند، باغی است و برای حاکم جنگ با او مجاز است» بر این اساس معتقد است؛ کسانی که بدون تامل علیه امام قیام و شورش کنند، محارب هستند (پژوهشکده شورای نگهبان، ۱۳۹۶: ۱۲). امنیت سیاسی، یکی از «موضوعات» کلان امنیت است که خود، سطوح و موضوعات جزئیتری را دربردارد. بر این اساس، گاهی منظور از امنیت سیاسی، امنیت نظام سیاسی است (سطح کلان) و گاهی منظور از امنیت سیاسی امنیت / آزادی

های سیاسی افراد است (سطح خرد). بر این اساس و با مطالعه حقوق سیاسی که برای «افراد» در یک جامعه اسلامی از سوی فقها ترسیم شده است، می توان سه حق برای افراد در نظر گرفت که نیازمند صیانت، پاسداری و احترام از سوی دولت می باشد و در اعمال این حقوق افراد باید احساس امنیت داشته باشند. به عبارت دیگر «موضوعات» امنیت سیاسی افراد عبارت اند از: حق به کارگیری و ابراز هر عقیده سیاسی، حق انتخاب شدن، حق انتخاب کردن.

۴-۱۲ حق به کارگیری و ابراز هر عقیده سیاسی

یکی از نخستین وجوه امنیت سیاسی افراد، این است که آنها بتوانند اولاً، نسبت به همه عقاید و گرایش های سیاسی بیندیشند و تحقیق و بررسی نمایند (آزادی/امنیت در اندیشه)؛ ثانیاً، یکی از این عقاید و گرایش ها را بپذیرند (آزادی/امنیت در عقیده)؛ ثالثاً آن عقیده و گرایش سیاسی خود را ابراز و تبلیغ نمایند (آزاد/امنیت در بیان). در حوزه امر سیاسی، امنیت اندیشه، عقیده و بیان، هم نسبت به شخص حاکم جامعه اسلامی (حاکمیت) و مشروعیت او می تواند مطرح شود و هم نسبت به مبنا و اعتقادات و زیربنای فکری حکومت (ایدئولوژی یا تئوری حاکمیت یا مبنای مشروعیت حکومت) می تواند مورد مطالعه قرار گیرد. علاوه بر این، تأثیری که این اندیشه، عقیده و بیان در نظم عمومی دارد نیز باید مورد توجه قرار گیرد. بر این اساس، چنانچه عقیده فردی همسو و هماهنگ با تئوری پذیرفته شده و تثبیت شده موجود باشد که طبعاً مشکل و محدودیت خاصی برای ابراز آن قابل تصور نیست، جز اینکه نباید این عقاید حقه به گونه ای نشر داده شود که باعث وهن مذهب یا اخلال در نظم و امنیت جامعه یا برانگیختن اختلافات قومی، مذهبی یا سیاسی بشود؛ در این باره، عمومات و وجوب حفظ نظام، حرمت اختلال نظام، تفرقه و بی نظمی می تواند مورد استناد قرار گیرد. اما اگر عقیده سیاسی فرد، بر مخالفت با مشروعیت حاکم یا مشروعیت حاکمیت یا نظم جامعه اسلامی مبتنی باشد، با سه محدودیت مواجه خواهد بود و ضمانت اجرای دنیوی (قابلیت مجازات) یافته است (رحمت الهی و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۱۹).

۴-۱۳ حق انتخاب شدن

جلوه دیگر امنیت سیاسی در سطح فردی را می توان در حق انتخاب شدن و به عبارتی، حق و امکان افراد برای اینکه بتوانند به عالی ترین مناصب مدیریت جامعه برسند، دانست. به عبارت دیگر، اگر شهروندان این امکان را پیش روی خویش ببینند که در صورتی که بخواهند، می توانند با کوشش و برنامه ریزی به بالا ترین سطوح حاکمیت دست یابند، نوعی احساس آرامش و امنیت خواهند کرد. برای بررسی این جنبه از امنیت سیاسی افراد، ضروری است شرایطی که در منابع و متون فقهی برای حاکم اسلامی برشمرده شده است، مورد ملاحظه قرار گیرد تا معلوم شود آیا عموم مردم

حق تصدی زعامت مسلمانان را دارند یا آنکه فقط صنف، طبقه و گروه خاصی می‌تواند به این مقام نایل شود و دیگران به فرمانبرداربودن محکوم اند. (خمينی، ۱۴۲۳: ۴۸).

۱۴-۴ حق انتخاب کردن

شاید بتوان یکی از مهمترین موضوعات در امنیت سیاسی شهروندان را این امر دانست که آیا آنها حق مشارکت سیاسی دارند و می‌توانند در امور سیاسی نظام حکومتی شان مداخله کنند یا خیر و به چه میزان این مشارکت پذیرفته شده است. به عبارت دیگر، چنانچه شهروندان این حق را داشته باشند تا آزادانه، حاکمان جامعه خود را برگزینند و بر سرنوشت اجتماعی خویش حاکم باشند، به گونه‌ای که هیچ قدرت خارجی نتواند اخلاقی در حق انتخاب آنها به وجود بیاورد، از این جهت احساس امنیت خواهند کرد و در امنیت سیاسی به سر خواهند برد.

۵- نتیجه گیری

مقوله امنیت یکی از پدیده‌های اساسی و بنیادین مورد نظر اندیشمندان و فقها و از نیازهای حیاتی فردی و اجتماعی به شمار می‌رود و ایجاد گسترش آن نیز وظیفه احاد ملت و حکومت‌ها و دولت هاست و هیچ مکتب یا نظام حقوقی نمی‌تواند خود را نسبت به موضوع امنیت بی تفاوت قلمداد نماید. اسلام نیز به عنوان یک نظام حقوقی جامع و مترقی که پاسخگوی نیازهای فردی و اجتماعی افراد در همه زمان‌ها و مکان‌ها می‌باشد؛ از این قاعده مستثنی نبوده و با ملاحظه متون دینی احکام و مقررات اسلامی ملاحظه می‌شود که اهمیت امنیت در همه عرصه‌ها و راه حل‌های تحقق بخشیدن به امنیت سیاسی و اجتماعی بیش از سایر نظام‌های حقوقی در دین اسلامی مورد مطالعه قرار گرفته است از دیدگاه آیات و روایات نیز هم امنیت از نعمت‌های بزرگ خوانده بوده و بر سایر نیازهای بشر اولویت دارد. از دیدگاه اسلام و امام (ره)، امنیت تنها در مورد جان و مال و ناموس مردم خلاصه نمی‌شود؛ بلکه شامل تأمین شغل و مسکن و سایر امنیت‌های اجتماعی نیز می‌باشد. در اصل قانون اساسی جمهوری اسلامی تصریح شده است «حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن، شغل اشخاص از تعرض مصون است، مگر در مواردی که قانون تجویز می‌کند. اسلام ورود بدون اجازه به مسکن دیگران را ممنوع نموده و تعرض می‌داند. حتی نگاه کردن به داخل خانه و محل سکونت پوشیده شده‌ی مردم را جایز نمی‌داند، تا آن جا که اگر شخص متعرض، به هنگام دفاع صاحب خانه به قتل برسد، خونش مهدور است. مراجعه به منابع فقهی و حقوقی نشان می‌دهد در نظام مردم سالاری اسلامی:

➤ در قوانین جزایی و سیاست جنایی اسلام و ایران سخت‌ترین مجازات‌ها برای عوامل ناامنی در نظر گرفته شده است، فارغ از اینکه با چه انگیزه‌ای دست به این اقدام زده باشند؛ انگیزه‌ها سیاسی باشد، یا اقتصادی یا هر انگیزه دیگری.

- . تأمین امنیت به عنوان فریضه و عملی دینی پاس داشته می شود؛ به همان اندازه که برهم زندگان امنیت مطرود و محکومان، مأموران و عوامل برقراری نظم و امنیت مجذوب و محبوب خواهند بود.
- امنیت دارای مفهومی وسیعتر از آن است که دنیای غرب درک می کنند.
- امنیت سیاسی به عنوان یکی از موضوعات و مسائل امنیت، در دو سطح فردی و ملی می تواند مورد مطالعه و مطمح نظر قرار گیرد.
- امنیت سیاسی در سطح فردی دارای این شاخصه است و به عبارت دیگر، با این شاخصه‌ها قابل شناسایی است: حق به کارگیری و ابراز هر عقیده سیاسی، حق انتخاب شدن برای سمت ها و مناصب سیاسی، حق انتخاب کردن حاکمان.

۶- منابع و مأخذ

الف) منابع فارسی

- ۱- قرآن کریم
- ۲- اسماعیلی، محسن، (۱۳۹۱)، مردم سالاری دینی و امنیت پایدار؛ مبانی و راهبردهای حقوقی، فصلنامه آفاق امنیت، سال ۵، شماره ۱۴، صفحات ۷-۲۴.
- ۳- بالایی، حمید، بهادری جهرمی، علی، (۱۳۹۶)، آشنایی با مفاهیم حقوق عمومی بررسی مفهوم امنیت، دفتر مطالعات نظام سازی اسلامی، پژوهشکده شورای نگهبان.
- ۴- تصدیقی، محمد علی، تصدیقی، فروغ، (۱۳۸۹)، بررسی مؤلفه های امنیت سیاسی و اجتماعی در افق چشم انداز ۱۴۰۴ جمهوری اسلامی ایران (با تأکید بر امنیت درونی)، فصلنامه علمی - پژوهشی تحقیقات سیاسی و بین المللی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرضا، شماره ۵، صفحات ۱۳۵-۱۷۰.
- ۵- حاج زاده، هادی، کرمی، حامد، یغمائی، حمیدرضا، (۱۳۹۶)، جایگاه امنیت نظام سیاسی با تأکید بر مرجع امنیت، مجموعه مقالات سومین کنگره بین المللی علوم انسانی اسلامی، دوره ۳، شماره ۶، صفحات ۲۵۳-۲۷۶.
- ۶- رحمت اللهی، حسین، لک زایی، نجف، ارسطو، محمدجواد، حاج زاده، هادی، (۱۳۹۴)، امنیت سیاسی افراد و مرجع آن در فقه امامیه، فصلنامه علمی - پژوهشی حقوق اسلامی، دوره ۱۲، شماره ۴۴، صفحات ۱۱۳-۱۵۲.
- ۷- رهبر، عباسعلی، سوری، فرزاد، (۱۳۹۵)، دولت و مدل امنیت سیاسی مطلوب در جامعه دینی، فصلنامه دولت پژوهی، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، سال دوم، شماره ۵، صفحات ۱۰۱-۱۳۳.
- ۸- طباطبایی، سید محمدحسین (بی تا) تفسیر المیزان، دفتر انتشارات اسلامی، حوزه علمیه قم.
- ۹- قائم مقام فراهانی، میرزا عیسی، (۱۳۸۰)، احکام الجهاد و اسباب الرشاد، تصحیح و مقدمه: دکتر غلامحسین زرگرری نژاد، بقعه، (بی جا)،
- ۱۰- قربی، سیدمحمد جواد، (۱۳۹۶)، بررسی مؤلفه های امنیت شخصی از منظر اندیشه امام خمینی (ره)، فصلنامه علمی - پژوهشی پژوهشنامه انقلاب اسلامی، سال ۷، شماره ۲۴، صفحات ۴۹-۸۴.
- ۱۱- لک زایی، نجف، نباتیان، محمداسماعیل، کریمیان، نورالله، (۱۳۹۵)، امنیت ملی دولت اسلامی از منظر فقه شیعه، فصلنامه علمی - پژوهشی سیاست متعالیه، دوره ۴، شماره ۱۴، صفحات ۴۱-۶۰.

- ۱۲- محمدی، فاطمه، ملکی، محمدامین، (۱۳۹۴)، دیدگاه فقه و حقوق اسلام به مقوله امنیت، همایش ملی سبک زندگی، نظم و امنیت.
- ۱۳- نباتیان، محمداسماعیل، (۱۳۹۵)، مبانی فقهی نظام جمهوری اسلامی؛ امنیت سیاسی نظام اسلامی از منظر فقه شیعه، مطالعات انقلاب اسلامی، دوره ۱۳، شماره ۴۷ صفحات ۳۱-۴۸.
- ۱۴- موسوی خمینی، روح الله (۱۴۲۱ق)، تحریر الوسیله تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی ج ۱. ۲.
- ۱۵- خمینی، سیدروح الله؛ (۱۴۲۵ ق) ت حریر الوسیله؛ ترجمه علی اسلامی؛ قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم
- ۱۶- راغب اصفهانی، حسین بن محمد؛ (۱۴۱۲) مفردات ألفاظ القرآن؛ ج 1، لبنان: دار العلم،
- ۱۷- رحمت الهی، حسین، لک زایی، نجف، ارسطا، محمد جواد، حاج زاده، هادی (۱۳۹۴)، امنیت سیاسی افراد و مرجع آن در فقه امامیه، حقوق اسلامی، سال دوازدهم، شماره ۴۴
- ۱۸- صادقی زیاری، حاتم، ابراهیمی منش، مهران (۱۳۹۲)، حق آزادی و امنیت شخصی در اسناد بین المللی حقوق بشر و حقوق ایران؛ با نگاهی به نوآوری های قانون آیین دادرسی کیفری، نشریه مطالعات حقوق تطبیقی، دوره ۵، شماره ۱ صص ۱۷۱-۱۹۰

Political security of citizens in Iranian jurisprudence and law and international documents Abstract

With the development of human societies, new horizons in the field of security have been opened and new dimensions have been added to this issue, one of which is the new dimension of "political security." To the point where some of these experts consider security more than other dimensions of security, they are more important. In fact, the security of the political system is always one of the most important prerequisites for other security measures (individual, public, economic, social, etc.), hence the most detailed and oldest issue of security research. Therefore, the issue of security, and in particular political security, is considered as one of the main components of the fundamental rights of individuals in all societies today, and the nature of human rights is taken into account. This research seeks to identify the issue of political security of citizens in Iranian jurisprudence and law as well as international documents.

Key words: political security, jurisprudence, Iranian law